



می‌شوند و ما هویت چهره را بدست می‌آوریم. بحث واضح‌سازی چهره و بانک‌های اطلاعاتی دیگر نیز هم هست. شما تصور کنید یک سارق در کمترین زمان ممکن ۵ سرقت مرتکب شده است درصورت بازداشت متهم ۵ پرونده سرقت کشف می‌شود. اگر اثرهایی که از صحنه بدست می‌آوریم کامل باشد یعنی بیش از ۸۰ درصد قابلیت بهره برداری داشته باشد ما می‌توانیم کشفیات قابل توجه‌ای داشته باشیم.

از سال‌های کاری‌تان پرونده به‌یاد ماندنی و جالبی هست که بخواید آن را برای مان تعریف کنید؟
خاطره‌ای از جنایتی دارم که بارها تکرار کرده‌ام اما دلم نمی‌آید دوباره نگویم. خیلی پرونده قتل داشتیم که با کمک بچه‌ها کشف شد و هر کشفی برای ما یک خاطره شیرین است. اما این پرونده برای من حس دیگری دارد. کشف تمام پرونده‌ها نتیجه یک کار گروهی است. اما این پرونده را بازگو می‌کنیم چون می‌خواهم بگویم خدا چقدر در ما نزدیک است. سال ۸۷ شب میلاد حضرت مهدی (عج) بود. آن شب من کشیک صحنه قتل بودم. زیرپل عابریاده شهید محلاتی داخل یک چمدان نو جسد خانمی کشف شد. خانم لباس‌های خانه به تن داشت و جادر مقتول نیز داخل چمدانش بود. پزشکی قانونی علت قتل را خفگی اعلام کرد. هیچ مدرک شناسایی با مقتول نبود. سه روز بعد از کشف جسد گزارش ناپدید شدن زن جوانی به پلیس اعلام شد. ما مشخصات قذافی را با مشخصات جسد تطبیق دادیم و احتمال داده شد که جسد کشف شده متعلق به همین خانم است که مثلاً اسمش را می‌گذاریم مریم. یادم می‌آید من چمدانی که جسد داخلش بود را در کنار میزم قرار داده بودم و هر کسی که از کنار میز من رد می‌شد به شوخی می‌گفت می‌خواهی به مسافرت بروی، پس که این چمدان نوبود و از طرفی برای من رازگشایی این جنایت مهم بود. در تحقیقات اقدام به مظنون‌گیری کردیم و بدون اینکه هیچ مدرکی داشته باشیم شخصی با نام مستعار امیر را هم که با زن جوان اختلاف داشت بازداشت کردیم اما هیچ مدرکی در رابطه با قتل نداشتیم. واقعاً هیچ دلیل فنی یا علمی نداشتیم که بخوایم بگوییم این فرد قاتل پرونده ما ست. خانه متهم در شرق تهران بود. به همراه متهم راهی خانه‌اش شدیم. تابستان بود و ما خانه مظنون را به صورت کامل مورد بررسی قرار دادیم اما هیچ رد و سرنخی بدست نیاوردیم. به عبارتی دست از پارتر سوار خودرومان شده و تصمیم گرفتیم که به اداره برگردیم. بی‌شک با نبود هیچ مدرک و آثاری، مظنون باید آزاد می‌شد. در راه بازگشت، همین که از کوچه خارج شدیم و ناامید بودیم، سر کوچه یک مغازه بزرگ کیف و چمدان فروشی را دیدیم. ناخواسته به همکارم که پشت فرمان بود گفتم که توقف کند خواست خدا بود که من ببینم، اولین چمدانی که در وینترین مغازه بود، لنگه همان چمدانی بود که جسد داخل آن قرار داشت. به قدری ذوق زده بودم از اینکه ما بدنبال سرنخی به خانه مظنون رفته بودیم اما در خیابان سرخ را رسیدا کرده بودیم و پیروز از اینکه سرنخی بدست آورده‌ایم، به داخل مغازه رفتم و بدون آن‌که خودم را معرفی کنم به صاحب مغازه که مرد جوانی بود و موهای جلوی سرش ریخته نبود، گفتم: از این چمدان چند تا فروخته‌اید؟ صاحب مغازه با لحن بدی به من نگاه کرد و گفت شما؟ خودم را بلافاصله معرفی کردم و ادامه دادم یک زنی به قتل رسیده و می‌خواهم ببینم از این چمدان‌ها به کسی فروخته‌ای یا خیر. صاحب مغازه دفتری داشت که فروش‌هایش را داخل آن ثبت می‌کرد نگاهی به دفتر انداخت و با اشاره دست به من گفت: «بله خوب یادمه به کی فروختم مرد جوانی بود که خیلی هم هراسان و نگران بود قیمت چمدان ۷۸ هزار تومان بود اما طرف به قدری عجله داشت که ۸۰ هزار تومان به من داد و باقی پولش را هم نگرفت. اگر چهره‌اش را ببینم او را می‌شناسم. به امیر که در کنار همکارانم داخل خودرو بود اشاره کردم و به صاحب مغازه گفتم او را می‌شناسی؟ مرد جوان گفت: خودش است. همان مردی که از من لنگه این چمدان را خریداری کرد و ۲ تومانش را هم نگرفت. با اطلاعاتی که صاحب مغازه در اختیار ما قرار داد و مواجهه با مظنون پرونده، امیر در همان صحنه به قتل زن جوان به خاطر اختلاف مالی اعتراف کرد. آن زمان‌ها مثل الان نبود که دوربینی باشد و تجهیزات، اصلاً هیچ دلیل‌حالی نداشتیم که نشان دهد امیر متهم است. انگار یک نفر دست‌ما را گرفت و برد به سمت مغازه و این قسط کار خدا بود.»

در حال حاضر تشخیص هویت در کشف پرونده‌و شناسایی متهم نیز کامی‌کنند؟
با اینکه اصلاً در راز گشایی و دستگیری متهمان از تشخیص هویت بدی نمی‌شود اما واقعاً نقش تشخیص خیلی مفید و حیاتی است. در تشخیص هویت هر روز یک خاطره است و شاید بیشتر، شهریور سال ۱۴۰۲ مودی داشتیم که یک سرقت منزلی بود در حوزه پایگاه هشت پلیس گاهی، ما یک سری از بانک‌های مان واقعاً جدید است و امکانات مان ایجاب می‌کند که دوباره نمونه‌ها و اثرهایی که داریم را بررسی کنیم. آن زمان چندین بار پرونده بررسی شد اما به نتیجه نرسیده بود. ما چرا از این قرار بود که سه میلیارد تومان به پول آن موقع طلا سرقت شده بود. مالباخته هم بعد از یک سال پیگیری ناامید شده بود و ما نه عکسی داشتیم و نه فیلمی و تنها سرنخ ما، اثری بود که در صحنه داشتیم و در بانک‌های مان هویت طرف را شناسایی کرده بودیم. البته این را هم بگویم آن موقع این اثری که در صحنه بدست آورده بودیم را با بانک اطلاعاتی مان تطبیق داده بودیم اما هیچ اثری بدست نیامد. یک سال بعد از سرقت ۲ میلیارد طلا، متهمی دستگیر شده و راهی زندان می‌شود و بعد از تحمل حبس از زندان آزاد می‌شود. مشخصات متهمی که راهی زندان شده بود ثبت شده و در بانک اطلاعاتی ما قرار گرفته بود. زمانی که همکارانم امسال دوباره مدارک آن پرونده را با اطلاعات جدید تطبیق دادند به هویت متهم رسیدند.

و حرف آخر؟

اگر صحنه جنایی یا صحنه سرقتی نتیجه نمی‌دهد به نظرم مقصر اصلی تشخیص هویت است. چرا که صحنه‌ای که نتیجه نمی‌دهد یعنی کشف نمی‌شود در اصل یعنی خوب بررسی نشده است. پس نتیجه می‌گیریم اگر تمام صحنه‌ها را به نحو احسن بررسی کنیم، به صورت کامل و خوب بررسی کنیم، حتماً به یک نتیجه‌ای در آن پرونده خواهیم رسید.



رئیس اداره تشخیص هویت پلیس آگاهی تهران بزرگ در گفت و گو با «ایران» مطرح کرد

کارشناسانی که از یک تار مو به حقیقت می‌رسند

گفت وگو

مرضیه‌هایونی

گروه حوادث

شرلوک هلمز را با ذره‌بینی در دست، در جست‌وجوی رد پای روی زمین، تار مویی روی جسد یا لکه خونی روی دیوار به خاطر می‌آورید. او در جست‌وجوی سرنخی یا اثری از مجرم بود. نه تنها شرلوک هلمز، بلکه تمامی کارآگاهان، سرنخ‌های به دست آمده در صحنه جرم را کنار هم قرار می‌دهند تا معمای یک پرونده جنایی یا سرقت حل شود. کارآگاهان تشخیص هویت، همان ذره‌بین به‌دستان در صحنه‌های جرم هستند که با کیفی پر از تجهیزات نمونه‌برداری سعی می‌کنند مدارک را در اختیار تیم تحقیق قرار دهند تا معماها را حل کنند. اما

مختصری از تشکیلات اداره تشخیص هویت بگویید.

بخش تشخیص هویت از سه اداره تشکیل شده است؛ اداره ۲۱ که شامل بانک اطلاعات مجرمان است و در رابطه با استعلام اسامی و سوءپیشینه فعالیت می‌کند؛ اداره ۲۲ که خیلی هم مهم است،

بحث بررسی صحنه جرم است و شامل صحنه جرم، جرایم جنایی و سرقت می‌شود و اداره ۲۳ هم که مربوط به آزمایشگاه‌های تحقیقات جنایی است. این بخش متشکل از ۶ آزمایشگاه است که شامل بررسی اسناد، شیمی جنایی، آزمایشگاه بیولوژی جنایی، فیزیک جنایی، آزمایشگاه تطبیق و آزمایشگاه ادله‌ای الکترونیک است. این سه اداره کارشان به هم مرتبط و وابسته است. به‌عنوان مثال تیمی که از صحنه جرم اثر انگشتی برمی‌دارد، آن را به آزمایشگاه تطبیق برده تا این اثر انگشت بررسی و شناسایی شود. بعد از اینکه شناسایی شد، استعلام اسمی را اداره ۲۱ بانک اطلاعات مجرمان انجام می‌دهد یا اینکه اگر در پرونده فوتی یا قتلی دست‌نوشته‌ای وجود داشته باشد، برای بررسی این موضوع که دست‌نوشته متعلق به خود متوفی یا مقتول است یا خیر در آزمایشگاه اسناد بررسی می‌شود و به طور کلی این سه بخش به همدیگر مرتبط هستند.

در خصوص اسلحه‌شناسی هم فعالیت دارید؟
بله. در آزمایشگاه فیزیک جنایی به بررسی پوکه و سلاح کشف شده در محل جرم می‌پردازیم. نحوه تیراندازی، دگرنزی، خودنزی، زاویه شلیک، نوع پوکه و اسلحه و... در این آزمایشگاه شناسایی می‌شود.

آیا در این اداره از مأموران خانم هم استفاده می‌شود؟

در اداره تشخیص هویت برخلاف سایر ادارات، بانوان حضور پررنگ و فعالی دارند. در بحث بانک اطلاعات مجرمان، استعلام‌های اسمی، سوءپیشینه یا بحث تطبیق که بسیار مهم و حساس است، باید از افرادی استفاده کنیم که دقت و توجه بالایی دارند و در این زمینه معمولاً خانم‌ها بهتر می‌توانند نتیجه بگیرند. در حال حاضر در بحث تطبیق یا بانک اطلاعات، بیشتر خانم‌ها فعالیت دارند ضمن اینکه در بررسی صحنه‌های جرم نیز به صورت جداگانه همکاران خانم وارد عمل شده و با حضور در صحنه، تحقیقات آغاز می‌شود.

به‌طور معمول در چه صحنه‌هایی کارآگاهان تشخیص هویت به محل اعزام می‌شوند؟

هر حادثه‌ای که واقع شود اعم از جنایی، سرقت یا امنیتی، فرقی نمی‌کند، در مرحله اول تشکیل پرونده، تیم بررسی صحنه جرم حضور پیدا می‌کند و همکاران من به صحنه اعزام می‌شوند. ممکن است در بعضی پرونده‌های قوت مشکوک یا خودکشی، کارآگاهان اداره دهم (اداره جرایم جنایی) حضور پیدا نکنند و همچنین در

یک موضوعی در مورد انگشت‌نگاری شنیده شده که می‌گویند برخی مجرمان با تر قندهایی خاص اثر انگشت‌شان را از بین می‌برند، در چنین مواردی چه عملکردی صورت می‌گیرد؟

ممکن است این گونه باشد اما ما فقط به اثر انگشت اکتفا نمی‌کنیم. هر نوع اثر قابل بهره‌برداری می‌تواند در شناسایی متهم به ما کمک کند.

اگر جسدی سوخته باشد، هویت آن چطور بررسی می‌شود؟

اگر جسد قابلیت اثربرداری داشته باشد، یعنی بتوانیم اثر انگشت بگیریم که این کار صورت می‌گیرد. در غیراین صورت، بحث استخراج «دی‌ان‌ای» در پزشکی قانونی انجام می‌شود. اما در صحنه‌های جرم، از محل، لباس و حتی اگر یک جای سالم در جسد باشد یا وسایل همراهش، بهره‌برداری می‌کنیم. ما اطلاعات را جمع‌آوری کرده و بعد افراد گمشده را که مشخصات آنها با مشخصات اجساد شباهت دارند، بررسی کرده و پرونده‌های افراد گمشده را با پرونده‌های اجساد در اختیار تیم شناسایی اجساد ناشناس قرار می‌دهیم تا این اجساد را با عکس‌های افراد گمشده تطبیق دهند و مشخص شود که آیا این جسد متعلق به این عکس و هویت است یا خیر.

هوش مصنوعی چقدر به پلیس تشخیص هویت کمک می‌کند؟

ما در حال حاضر در بحث تطبیق صدا یا تطبیق چهره یا باز کردن قفل گوشی و... تا حدودی از هوش مصنوعی استفاده می‌کنیم. نمی‌گوییم که از نظر استفاده از هوش مصنوعی در جایگاه ادله‌ای هستیم اما رو به جلو حرکت می‌کنیم. به عنوان مثال در بحث تطبیق صدا، صداهایی را که از طریق هوش مصنوعی تولید شده‌اند و به عنوان صدای شخص دیگری جا زده‌اند را به ما ارجاع می‌دهند و ما هم از یک سری نرم‌افزارهایی استفاده می‌کنیم که این موارد را تشخیص می‌دهند. این صداهای بیشتر در بحث توهین به افراد یا اخاذی است.

آیا تحریم‌ها در کار شما تأثیر داشته است؟
۱۰۰٪ تأثیر دارد، در کار ما هم نیروی انسانی مهم است و هم ابزار و تجهیزات. فرض کنید ما بهترین نیروی انسانی را داریم اما اگر به عنوان مثال ژلاتین خوب نداشته باشیم یا اگر پرودر اثربرداری خوب نداشته



اصطلاح تن‌پیمایی به چه مواردی اطلاق می‌شود؟
تمام اجساد ناشناسی که به پزشکی قانونی منتقل می‌شوند یا اجسادی که در صحنه قتل هستند، انگشت‌نگاری و شناسایی هویت‌شان و تقریباً ۹۰ درصد کارها برای شناسایی به عهده همکاران من است. در ادله الکترونیک، گاهی ما تصویری از متهم در صحنه به دست می‌آوریم؛ به‌عنوان مثال تصاویرش در دوربین‌های مداربسته محل ثبت شده و برای تطبیق چهره یا تأیید اینکه شخصی که از جلوی دوربین رد شده یا فیلم و عکسی که از او داریم آیا این شخص مظنون ماست، نیاز داریم تن‌پیمایی کنیم؛ یعنی تصاویر را دقیق بررسی می‌کنیم تا ببینیم بر فرض علامتی، خالکوبی‌ای یا جای زخم و... در او پیدا می‌کنیم که بتوانیم با آل‌بوم مجرمان سابقه‌دار تطبیق دهیم و هویتش را درایبیم یا خیر. اما در بحث صحنه قتل به تن‌پیمایی از مقتول می‌پردازیم تا مدارک و مستندات از جسد به دست آوریم. به عنوان مثال در تن‌پیمایی از جسد ممکن است آثار ضرب و جرح یا باقی ماندن مو یا تکه پوستی از قاتل روی بدن، دستان و زیر ناخن مقتول پیدا شود که به ما کمک کند.